

اسلام و محیط‌زیست

حجت‌الاسلام دکتر احمد احمدی
عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

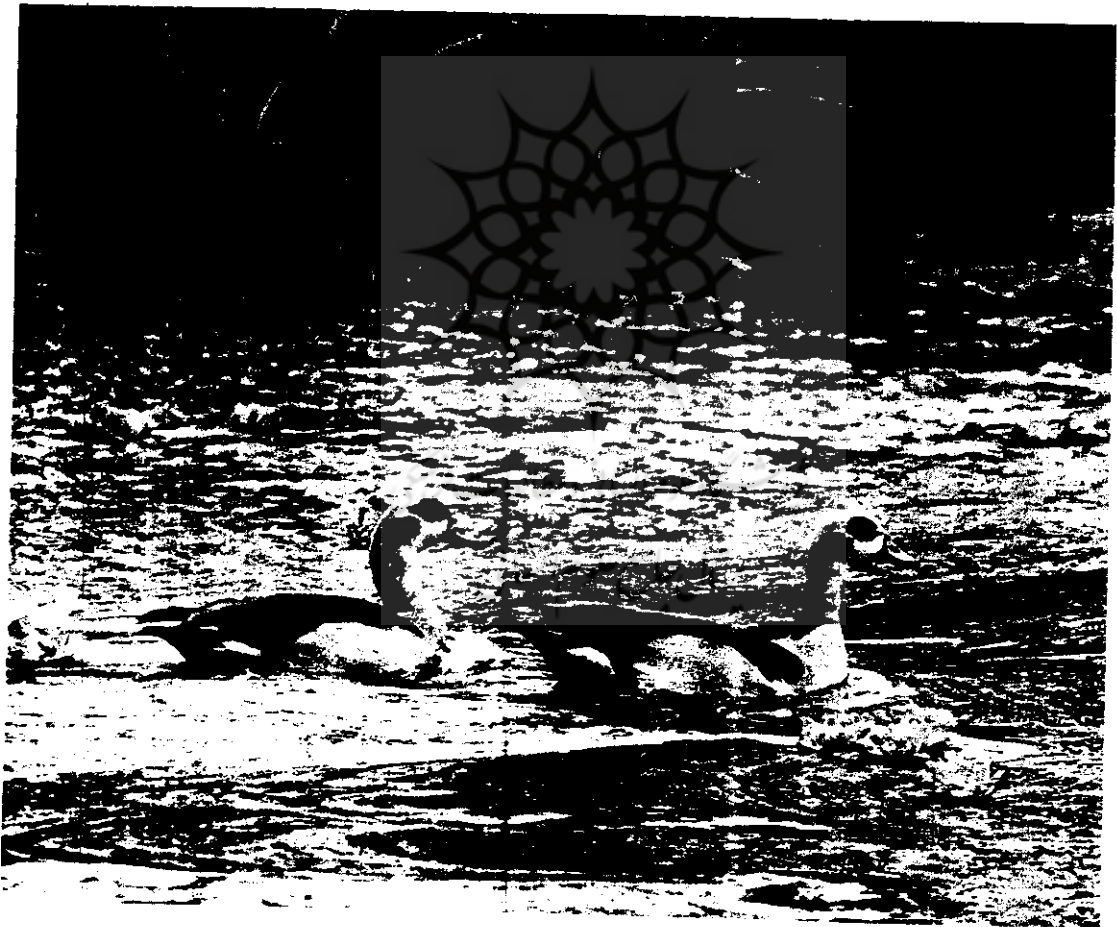
اعجاب واهی دارد و خدای را بر آن چه در دل دارد تَوَاه می‌کشد تا آن که سرخ‌ترین دستان است - و چون بار گردد، می‌کوشد تا در زمین نسیان کند و کسراسر و سل را ساه سازد و خداوند مصاد را دوست ندارد... حیم او را پس است و بد آرمگاهی است. در کتاب مستدرک وسائل آمده است که امیرالمؤمنین (ع) در مورد کسی که حیوانی را سیه‌پوشه بکشد یا درختی را سرد یا کستری را ساه کند یا حیوانی را ویران سازد یا چاهی را حساند حکم می‌کند که سهای آن چه را از زمین برده یا فاسد کرده سیر دارد و معبر نبود (ج/ ۲۷۲/۳) رسا رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) و ملائک مسمر اسان در آباد ساختن و آباد نگه دانس و سراس و پاک نگه دانس محیط‌زیستی اسان و حیوان و همچنین دستورهای فراوان و مکرر اسان در باب آباد سازی و آباد نگهداری و سالم - سازی وسالیم نگه دانستن محیط‌زیست، و سیر رفتار اساسی خود این اولیای خدا تا حیوانات و دسورهائی که در باب دانستن رفتار اساسی تا حیوانات داده‌اند، سراسر مؤید این مدعا است. این سخن رسول خدا (ص) که من احیی ارضا منه فمی له: کسی که زمین مرده‌ای را احیا (آباد) کند از آن اوست (و نه او اختصاص - دارد) و سیرا کبدهای فراوانی که در امر کشاورزی شده و حتی فرموده‌اند:

اگر خواهیم بگوئیم درمنون اسلامی بحی بر عنوان "محط - رست" به معنای مصطلح امروزی آمده، جنس رست، اما می‌توان گفت محتوای جسمی سختی در قرآن کریم و روایات آمده است زیرا که اسلام آبادسازی و آباد نگهداری محیط‌زیستی اسان و جانوران را از اسان حواسه است. قرآن کریم می‌فرماید: هواسا کم من - الارض و اسعمرکم فیها: او سها را از زمین آفرید و آبادانی زمین را در آن نه سها واگذار کرد، یعنی از سها حواسه است که آن را آباد سازد و آباد نگهداری و این خود می‌رساند که اسان موظف است علاوه بر آباد کردن زمین و محیط اطراف خود تا آخاکه معذور او است، آن را آباد هم نگهدارد یعنی از هر کاری که مایه و برایی و خرابی زمین و موجب ساه ساختن گیاه و درخت و جاندار و اسان می‌سود بهره‌بر کند.

همچنین در نكوهنن کسانی که نه ساه ساختن حرب و سل می‌بردارند با لحنی تند و در پایان با وعده عذاب می‌فرماید: و من اسان - من یحسب فوله فی الحیاة الدنیا و ینهدالله علی ما فی قلبه و - هوالد الحمام - و ادا تولی سعی فی الارض لیسعد فیها و ینلک - الحرث و السل والله لایحب الفساد (سوره بقره آیه‌های ۲۵۳-۴) یعنی بعضی از مردم کسی است که سخن او در حیات دنیا سها به

من کان له ماء و تراب ثم امتزقا بعهده الله - کسی که آب و زمینی داشته باشد و بار هم فقیر باشد خدایش (از رحمت خویش) دور کند و همچنین سفارشهای زیادی که در باب دامداری و نگهداری حیواناتی از قبیل گاو و گوسفند و اسب و استروشن و ... شده است ، روشنگر دیدگاه اسلام در مورد آبادسازی زمین به معنای عام است و آبادسازی بدون سالم نگه داشتن محیط زیست از آلودگی آب و خاک و هوا و آن چه در نغای کشت و گیاه و حفظ حیات حیوان و انسان موثر است ، مقدور نیست این حدیث معروف که : در آب ادرار مکن ، چرا که ساکنانی دارد و همچنین دستورهایی مکرر و فراوان دیگر در باب طهارت و پاکیزگی و برهیزر آلوده شدن و آلوده ساختن ، اسلام را طوری معرفی کرده است که باید پیروانش را با پاکیزگی و محیط زیستی و خانه و جامعه و بدنشان ، از دیگران باز شناخت و در گذشته هم تا حدود زیادی جنسی بود .

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۶۵ سبح البلاغه می فرماید : انقوالله می عباد و ببلاده فانکم مسئولون حتی السقاع و البهائم (از خدای بخواهید در مورد بندگانش و سرزمینهایش ، زیرا از شما حتی در مورد نغمه ها و نقاط زمین و چهارپایان سوال خواهد شد) و سوال در مورد نغمه ها یا نقاط زمین باید سوال از چیزی باشد که قابل نطق تکلیف باشد و آن آباد ساختن و آباد نگه داشتن و ویران ساختن آنهاست و آلوده ساختن ، در واقع ویران ساختن آنهاست . سوال در مورد چهارپایان هم ، سوال از چگونگی رفتاری است که انسان باید با آنها داشته باشد یعنی آنها را بیجهت نکشد ، نیاززده نباشد ، بیش از حد توان ، از آنها کار نکند و سر آنها بار نکند ، محیط زندگی آنها را آلوده نسازد ، آب و خوراک نه حد کافی در اختیارشان بگذارد و ... اگر آلوده کردن آب باروا است از آن جهت است که ساکنانی دارد ، و ساکن هم به موجود زنده گفته می شود ،



و اگر همانطور که اشاره شد خواهد آمد، کشتن و شکار کردن حیوان بدون غرض عقلانی عمی بدون رفع نیاز معقول و منطقی اسان، ناپسند و ناروا و مسموع است و اگر تهاه ساختن حرت و نسل، حرام است و اگر از اسان راجع به بقاع و سهام سؤال می‌شود، پس باید از ریختن رساله در آب، از آلودن دریا، آلودن هوا، آلودن ... خاک و از استفاده انداختن آن و خلاصه از هر کاری که مایه ورمیه، نهای و نابودی حیات گیاه و حیوان و اسان می‌شود، اجتناب نمود و همین است معنای حفظ محیط‌زیست.

حرمت حیات

بطور کلی، حیات از نظر اسلام محترم است و بهمین جهت نابود ساختن آن معذور و نارواست در روایتی آمده است که از کشتن همه جنسندگان سیرهیز (وسائل، ج ۹ ص ۹۵) در روایت دیگر کشتن جانور در شمار پلیدترین گناهان (که نشان فریادگی است) آمده است. البته پیداست، حیواناتی از قبیل عقرب، مار سمی، گرگ و ... که در صدد آزار رساندن به انسان باشند، از این دستور مستثنی هستند. معصوم (ع) در هر جا سخن از کشتن حیوان به میان آمده منع فرموده‌اند، مگر آن که در معرض آسیب رساندن باشند و در بسیاری از موارد فرموده‌اند: حیوان را مکش زیرا که هدای را تسبیح می‌کند. معارت دیگر: اصل، اجتناب از قتل جاندار است. هر جانداری که باشد مگر آن که در معرض آسیب رساندن به انسان باشد و آسیب رساندنش قابل تحقق باشد و احتمال عقلانی داشته باشد و گرنه صرف این که در بیابانها گرگ و مار و عقرب وجود دارد سبب نمی‌شود که ما، مأمور کشتن آنها باشیم. ماری که در کویر زیر سونه‌های خزیده و یا گرگی که در جنگل است و در معرض آسیب رساندن به کسی نیستند ما، مأمور سببیم دنبالشان نگردیم و آنها را بکشیم. علاوه بر این که باید از کشتن همه جنسندگان جز موارد استثنا بهره‌بر نمود باید از آوردن، برحری - کش کردن و مثله کردن (یعنی زنده زنده قطع کردن اعصاب) حیوان هم اجتناب ورزید. در بحار، ج ۶۱ ص ۲۶۸ روایت شده است که رسول خدا (ص) بر گروهی گذشتند که ماکیان زنده‌ای را هدف گرفته و با تیر می‌زدند، فرمود: اینها کیستند؟ هدای لعنتان کند. در نهج البلاغه نامه ۴۷ امیرالمؤمنین (ع) سفارش می‌کند که: ایاکم و المنله و لوبا لکلب العقور - زبهاراز منله بهره‌برید اگر چه منله، گک هار باشد. و نیز از رسول خدا (ص) روایت شده است که خدا لعنت کند کسی را که حیوانی را منله کند.

بی کردن چهارپایان ممنوع است و اگر ضرورتی پیش آید چهارپارا سر ببرند ولی بی نکند - قال رسول الله (ص) اذا حرت علی - احدکم دابته فی ارض العدو فی سبیل الله فلیذب بها ولا یقرصها: هر گاه به هنگام جهاد حیوان یکی از شما در سرزمین دشمن جموضی کرد آن را سر ببرد ولی بی نکند (وسائل ج ۲۹۶/۸) سوزاندن

حیوان مسموع است - سهی (السی ص) ان بحری تی، من الحیوان نالبار رسول خدا (ص) از سوزاندن هر حیوانی به آتش، سهی فرمود (بحار، ج ۶۱ ص ۲۶۷) در آثار اسلامی همواره تأکید بر حفظ حیات حیوانات و خوشرفتاری با آنها شده است. در مورد حفظ حیات حیوان، فقها در باب عقیقات فصلی به عققه حیوان اختصاص داده و فرموده‌اند: هر سه حیوان مطوک، از جمله کرم - ابریشم و زبور عمل و غیر آنها، بر مالک، واجب است، بدون خلاف میان فقهاء، چه حلال گوشت باشد و چه ناسد، مالک از آن استفاده سرد یا سرد... البته این هریسه، (در شرع) مقدار معینی ندارد و آن چه واجب است این است که نیازهای او را از آب و حوراک و حا (و بالان و زین) و حل که با اختلاف زمانها و مکاسها مرق می‌کند، برطرف سازد و اگر حیوان را رها کند تا خود (در جای امنی) بخرد کامی است. اگر مالک، نه علف و آب و حاداد و نه گذاشتن خود حیوان در چراگاه بخرد، حاکم او را ملزم می‌کند که یا حیوان را بفروشد و یا سر ببرد (در صورتی که با سر بریدن - نبود از آن استفاده معارف نمود) و یا هریسه، آن را ببردازد و اگر الزام ممکن نشد، خود حاکم هر طور صلاح بداند عمل می‌کند... و اگر علوفه برای حیوان پیدا نشود (بر مالک) واجب است که بخرد... اگر حیوان بچه دار باشد باید از شیر آن، به مقداری که بچه را کفایت کند بدو شد و برای بچه گه دارد... و اگر دوشیدن شیر برای خود حیوان ضرر داشته باشد، جایز نیست، هر چند برای بچه‌اش ضرر نداشته باشد... وقتی عمل را از کدو بیرون می‌آورد برای رسوب مقداری باقی نگذارد و بهتر است که از مقدار کفایت بیشتر بگذارد. بر مالک کرم ابریشم واجب است که برگ توت برای آن فراهم سازد و آن را از تلف شدن حفظ کند و اگر برگ توت کم‌ناب بود و مالک کرم ابریشم اعتنا نکرد حاکم شرع از مال مالک می‌فروشد و به اندازه کامی برگ می‌خرد یا این که خود کرم را می‌فروشد.

(نقل از جواهر الکلام، ج ۳۱ ص ۳۹۴)

در این مس معتبر و مستند که به عنوان یک متن حقوقی یا دقت تمام و بر اساس روایات اسلامی تدوین شده می‌بینیم که چگونه بیژامون حفظ جان حیوان، البته در اینجا حیوان اهلی، به عنوان یک وظیفه واجب، همه جاسه بحث شده است، و چگونه در وهله اول، مالک و بعد از آن، حکومت اسلامی ملزم شده است که جان حیوان را حفظ کند و از تلف شدن آن، که تلف بیت المال است، معافیت بعمل آورد. در بحار ج ۴۱ ص ۱۱۸ آمده است که امیر - المؤمنین (ع) برای حیوانات گمشده آغلی ساخته بود و از بیت المال، در حدی به آنها علوفه می‌داد که به فرجه شوند و نه لاغر.

نیکی و خوشرفتاری با حیوانات

در روایات اسلامی، جا به جا سفارش به خوشرفتاری با حیوانات و

احسان و نیکی به آنها شده است و طرافت پاره‌ای از این سفارشها به حدی است که شاید نمونه آنها را در هیچ آئینی نتوان یافت .
از باب نمونه به روایات زیر توجه فرمائید :

۱- امام صادق (ع) فرمود : چهار چیز است که هرکس یکی از آنها را انجام دهد وارد بهشت می‌شود : کسی که حیوان تشنه‌ای را آب دهد یا شکم گرسنه‌ای را سیر کند یا بدن برهنه‌ای را بپوشاند و یا برده، وامانده‌ای را آزاد سازد. (وسائل، ج ۱۶ ص ۴) پیدا است که این حیوان تشنه خواه متعلق به آب دهنده باشد و خواه نباشد، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت . پاک باشد یا نجس، آب دادنش این اجر را دارد .

۲- در بحار (ج ۷۶ ص ۳۵۱) از کتاب سواد راوندی نقل کرده - است که رسول خدا (ص) فرمود : به سهبت درآمدم و مردی را دیدم که سگی را سیراب کرده بود . این حدیث ، به گونه دیگری در کتب اهل سنت آمده و سعدی در بوستان آن را چنین به نظم درآورده است :

یکی در بیابان سگی تشنه یافت

سروان از رمق در حیاشش نیافت

کله دلو کرد آن پسندیده کیش

چو حیل اندر آن بست دستار خویش

به خدمت میان ست و بازو گشاد

سگ سائوان را دمسی آب داد

خیر داد پیغمبر از حال مرد

که داور گناهان او عفو کرد

الا گر جفا کاری اندیشه کنی

و ما پیش گیر و کرم پیشه کنی

کسی با سگی نیکویی کم نکرد

کجا گم شود خیر با نیکمرد

۳- زنی گرفتار عذاب شد ، زبوا گریه‌ای را بست تا از تشنگی مرد (وسائل، ج ۳۹۷/۸) این حدیث در کتب اهل سنت هم آمده است .

۴- رسول خدا (ص) فرمود زنی سگ تشنه‌ای را آب داد و خدا او را آفرید ، پرسیدند ای رسول خدا مگر در (نیکی به) چهار پایان هم پاداش هست ؟ فرمود : آری ، در هر جگری که تر شود پاداشی است .

۵- رسول خدا (ص) فرمود : به سراغ جوجه‌ها در آشیانه و برنده در خوابگاهش بروید تا صبح شود . مردی پرسید : یا رسول الله خوابگاهش چیست ؟ فرمود : شب خوابگاه او است ، در شب هنگام در خوابگاه به سراغش مرو تا صبح شود و به سراغ جوجه در آشیانه‌اش مرو تا بر درآورد و ببرد . (وسائل ، ج ۱۶ / ۲۳۹) و گویا بر - اساس همین روایت است که صدوق در کتاب مقع فتوی داده است که گرفتن جوجه از آشیانه حایر نیست .

۶- از سنن ابن ماجه نقل شده است که حیوان شمرده را سر نبرید (ج ۲ ص ۱۰۵۲)

۷- محمد بن فضیل می‌گوید : به امام رضا (ع) گفتم : گوشتند نری داشتیم که آن را برای قریبانی فربه کرده بودم ، وقتی آن را گرفتیم و خوبانندم ، به من نگاه کرد و من بروی رحمت و رقت نبردم و آن را سر نبردم .

امام فرمود : دوست نداشتیم چنین کاری بکنی حیوانی را تربیت کنی که حودت آن را سر ببری .

۸- امام صادق (ع) فرمود : حیوان بر صاحبش شش حق دارد : بیش از حد توان او را بار نکند ، پشتش را جای نشستن و سخن گفتن قرار ندهد ، وقتی فرود آمد ، نخست او را علف بدهد ، صورتش را داغ نکند و بر صورتش نزند ، زیرا تسبیح خدا می‌کند ، و هرگاه بر آب گذشت ، آب را به او عرضه کند . (وسائل، ج ۲۵۱/۸) .

۹- حیوان را پیش از آن که کاملاً "جان داده باشد نباید پوست کند و سراز بدنش جدا کرد (بحار، ج ۶۲ / ۳۲۸)

۱۰- رسول خدا (ص) به مردی گذشت که پا بر روی گوشتندی نهاده بود و کارد را تیز می‌کرد و گوشتند هم به او نگاه می‌کرد :

فرمود : چرا قلاً" این کار را کرده‌ای ؟ می‌خواهی او را دوبار بکشی ؟ (نقل از سنن ابن ماجه ، ج ۱۰۵۹/۲)

۱۱- حیوان را پیش از کشتن آب بدهند و حیوانی را در برابر حیوان دیگر سر سیرند و وقتی او را به محل کشتن می‌برند با مدارا بگرد و با مدارا بخوانند و کارد را تیز کرده و از حیوان پنهان نگاه داشته باشند و کار سر بریدن را زود تمام کنند (تحریرالوسیله - ج ۲ ص ۱۵۱)

۱۲- شتر ماده را از جهاش جدا نکند ، تمام شیرش را ندوتد که به جهاش ضرر برساند ، با سوار شدن آن را به شفت نیندازد ، در سوار شدن میان این یکی و بقیه شتران عدالت را مراعات کند ، بگذارد تا شتر خسته بیاساید و با شتری که سمش خراش دیده با می‌لنگد مدارا کند (نهج البلاغه نامه ۲۵)

۱۳- نکال کردن - یعنی بستن سه پا یا یک پای اسب مکروه است . (بحار ، ج ۷۶ ص ۳۲۸)

۱۴- یکی از راویان می‌گوید : امام حسن (ع) را دیدم که غذا می‌خورد و در برابر وی سگی بود . هر لقمه‌ای که حضرت می‌خورد به اندازه آن هم پیش سگ می‌انداخت . گفتم ای فرزند رسول خدا آیا این سگ را از طعام شما دور نکنم ؟ فرمود : کارش نداشته‌باش ، زیرا من از خدای متعال ، شرم می‌کنم که جاندارى در روی من نگاه کند و من چیزی بخورم و نه او نخورام (بحار ، ج ۳۵۲/۴۳)

۱۵- در روایات شیعه و اهل سنت دستور داده شده است که کسی که حیوان را می‌دودند ناخن هایش را بگیرد تا پستان حیوان را زخم نکند .

اینها نمونه‌های مختصری است از دیدگاه اسلام نسبت به جانداران و چگونه رفتار با آنها و از اینها خوب می‌توان نظر کلی اسلام را نسبت به حفظ محیط زیست به معنای عام آن ، بدست آورد .